

در حال رقم‌زدن یک خط سیر حیات سعادت‌مند بودند که هم دنیا را شامل می‌شود و هم آخرت را؛ البته روشن است که با شرایطی که حضرت و اطرافیان‌شان در آن قرار گرفتند، نهایت تلاش‌شان برای حیات این دنیایی، این بود که با تمهیدات و توصیه‌هایی، تا حد امکان خانواده‌شان از آسیب‌های آن واقعه در امان باشند؛ هرچند ماجرا آن قدر سخت و طاقت‌فرسا بود که فشار بسیار شدیدی به اهل‌بیت خود و یاران ایشان وارد شود و وجود ایشان، راهنمایی برای حیات سعادت‌مند دیگران باشد؛ بنابراین نه‌تنها به این نتیجه می‌رسیم که جریان اربعین خاصیت شکل‌دهی به یک زندگی مادی را دارد؛ بلکه به‌لحاظ تاریخی و نمونه عینی در مورد اربعین که همان به اسارت رفتن خانواده و یاران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و رفت و برگشت ایشان است، به‌روشنی در حقیقت این کنگره عظیم قابل مشاهده است.

نتیجه اینکه تمدن‌سازی اسلامی که حاصل این مؤلفه‌های چهارگانه می‌تواند باشد، در جریان اربعین به طریق بسیار عالی و روشن و کاملی وجود دارد و می‌توانیم، بگوییم که تمدن‌سازی در این حقیقت، به‌شکل تام جاری و ساری است و هرکسی که در این مسیر قرار می‌گیرد، لاجرم در مسیر تمدن‌سازی واقع شده است.

• **با توجه به نکاتی که ذکر کردید، چگونه باید عناصر تمدنی پیاده‌روی اربعین را بسط و گسترش داد؟**

• مهمترین عامل در این جهت عرضه بی‌برده همان واقعه‌ای است که در گذشته رخ داده و اکنون به‌شکل گسترده‌تری در میان انسان‌ها در حال وقوع است. پیاده‌روی اربعین منجر به تحقق این مسأله می‌شود که افراد به‌صورت طبیعی با فرهنگ اربعین آشنا شوند و درواقع بسیار سهل‌تر از آنچه که تصور کنیم، این اتفاق در جریان رویداد اربعین می‌افتد؛ چراکه یک عامل رسانشی و درواقع یک سکوی عرضه و نمایش و ارائه این حقیقت به جهانیان در سطح وسیع ایجاد شده و نیازی به مقدمه‌چینی‌های علمی، کلامی و دینی نیست؛ چراکه دین، عقیده، شعور، شور و تمام فضایل مثبت انسانی در این حقیقت به‌صورت فطری و ذاتی حاضر است.

بنابراین ما با عرضه آنچه که دارد اتفاق می‌افتد، به‌راحتی می‌توانیم بیشترین تعامل و انتقال را موجب شویم که نتیجه آن، چه به‌صورت جذب فیزیکی افراد به این حقیقت و چه به‌صورت جذب روحی و قلبی افراد به این گستره، بر هدف مطلوب منطبق است؛ چون فردی هم که به‌صورت فیزیکی جذب می‌شود، یا از پیش از طریق روحی ارتباط برقرار کرده یا در این مسیر، این ارتباط قلبی و روحی برایش حاصل می‌شود. البته ما در این مسیر می‌توانیم قدم‌های بیشتری هم برداریم و با توجه به اینکه ماندگاری فرهنگ‌ها، پایایی و نفوذ آنها هم بستگی بسیاری با عمق آنها دارد، می‌توانیم برای قوی‌ترشدن این تعامل و انتقال به ارائه وجوه اندیشه‌ای و نگرشی که در حقیقت اربعین وجود دارد، بپردازیم؛ به‌طوری‌که هم افرادی که به‌صورت فیزیکی در این مسیر شرکت می‌کنند و هم افرادی که به‌صورت قلبی و روحی همراه می‌شوند، با حقیقت و عمق این ماجرا عجین شوند؛ البته تحقق این امر در گروی آن است که رسانه‌ها به‌طور ویژه‌تری و نه صرفاً در سطح خبررسانی وارد میدان شوند و همچنین اهل دل و تعقل هم حضور پررنگی در این مسیر داشته باشند؛ لذا با دعوت بزرگان علم و عمل به این رویداد تمدنی، می‌توان به تقویت شاخصه‌های تمدنی آن پرداخت.



پیاده‌روی اربعین و تمدن‌سازی اسلامی

تجلی حقیقت وجودی، انسجام اجتماعی و نظام‌دهی تمدنی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود اسماعیلی

ظهور و بروز یافته است؛ از این‌رو این واقعه و وجود مبارک حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، به‌معنای تام و کامل کلمه، تمام‌نشدنی است؛ ولذا می‌توان گفت به‌خوبی از مؤلفه اول برخوردار است.

در باب مؤلفه دوم که نظم‌دهی و نظام‌سازی است، می‌توان گفت که این حقیقت با وجود گستردگی زمانی و مکانی که اشاره شد، از ثبات و تغییرناپذیری برخوردار است که موجب نظم‌دهندگی می‌شود؛ به‌عبارتی می‌توان گفت با توجه به ریشه‌داربودن این ماجرا در کُنه و حقیقت جهان و انسان، گستردگی این عرصه به سمت شکل‌گیری یک نظام احسن در جهان یا همان مدینه فاضله انسانی پیش خواهد رفت.

این نظم‌دهی و نظام‌سازی، به‌گونه‌ای است که بدون اراده حکومت‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرد و در حقیقت نوعی نظم و نظام‌سازی است که در بستر هستی جریان دارد و با اصول، شرایط و زمینه‌های لازم خود را نشان خواهد داد.

• **نقش دولت‌ها و حکومت‌ها را در این روند و این جریان چگونه می‌شود تحلیل کرد؟**

• دولت‌ها و حکومت‌ها با همراهی با این نظام‌سازی فطری و ذاتی، خود را در مسیر حرکت به سمت یک نظام موفق اجتماعی و حکومت احسن و فاضله قرار می‌دهند و اگر همراهی نکنند، به‌اندازه‌ای که از این مسیر دور هستند یا در تقابل با آن قرار می‌گیرند، در سمت و سوی تبدیل‌شدن به یک سلطه شیطانی و مدینه فاسقه و امثالهم قرار خواهند گرفت و درنهایت، به ضرر خود و جامعه‌شان حرکت می‌کنند؛ البته روشن است که با پیوستن هرچه بیشتر آحاد انسانی و حکومت‌ها و دولت‌ها، این کنگره عظیم گسترده‌تر و فراگیرتر می‌شود و جاذبه و نفوذ بیشتری را ایجاد خواهد کرد.

مؤلفه سوم، انسجام عملی توده‌های انسانی



کریلا در این وادی نیز زنده است.

همچنین در روایتی آمده که گروهی در قیامت بدون توجه به حساب و کتاب و بهشت و جهنم، عاشقانه گرد وجود امام حسین علیه السلام حلقه می‌زنند و در نهایت نه اینکه خودشان به بهشت

بروند؛ بلکه به بهشت رهنمون‌شان می‌کنند. این روایات نشان می‌دهد که جریان امام حسین علیه السلام تمام‌نشدنی است و در زمان و مکان جاری و ساری است. جمله «کل یوم عاشورا وکل ارض کریلا»، یک گزاره وجودشناختی است و نه صرفاً گزاره دینی و می‌توان گفت، عاشورا و اربعین در بطن و متن هستی وجود دارد و یک حقیقت وجودشناختی بسیار واقعی و قوی است که هرگاه شرایط زمانی و جغرافیایی اجازه دهد، این حقیقت به منصفه ظهور می‌رسد و ظرفیت بسیار بالایی را به نمایش می‌گذارد. این مسأله تبیین می‌کند که جریان اربعین به هستی و انسان گره خورده و در حقیقت وجود و انسان حاضر بوده و از زمان و مکان فراتر رفته است و می‌شود گفت، حقیقتی ازلی و ابدی است که در این ماجرا تماماً

پیاده‌روی اربعین به‌عنوان رویدادی فرازمانی و فرامکانی، تجلی جریان حق و باطل است که در مرکز آن، امام حسین علیه السلام قرار دارد و حقیقت وجودشناختی صاحب ابعاد تمدنی عمیق است. این آیین با پیوندی ناگسستنی به هستی و انسان، فراتر از تاریخ و دین، به جریان تمدن‌سازی اسلامی شکلی فراملی و زنده می‌بخشد. چهار مؤلفه اساسی تمدن‌سازی در اربعین مشهود است: اتصال به حقیقت وجودی انسان و جهان، نظام‌دهی متکی بر ثبات و نظم ذاتی، انسجام و انگیزه‌بخشی عملی توده‌ها و شکل‌گیری زندگی دنیوی منسجم و هماهنگ. افزون بر این، اربعین ابزاری قدرتمند برای انتقال فرهنگ و آموزه‌های دینی و انسانی به گستره جهانی است که با همراهی حکومت‌ها و مشارکت مردم، مقوم تمدن اسلامی و زمینه‌ساز مدینه فاضله انسانی خواهد بود. این آئین، هم شکوه معنوی دارد و هم ظرفیت بالایی در همگرایی و تمدن‌سازی جامعه اسلامی ایفا می‌کند. متن پیش‌رور گفت‌وگویی از سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود اسماعیلی، رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه است که در ادامه می‌خوانیم.

• **یکی از ساحت‌هایی که پیاده‌روی اربعین در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ساحت تمدنی است. از منظر شما چه پیوندی میان پیاده‌روی اربعین و مسأله تمدن اسلامی برقرار است؟**

• تمدن را مجموعه‌ای درهم‌تنیده از نظامات اجتماعی از جمله نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی، تربیتی و دینی دانسته‌اند که این نظام‌ها تحت یک نظم کلان، به‌صورت اجزایی هماهنگ و درهم‌تنیده در یک کل قرار دارند و درنتیجه، مجموعه‌ای از آداب، رسوم، باورها، شیوه‌ها، رفتارها، نهادها و علوم و ادبیات را شکل می‌دهند؛ بنابراین تمدن بیشتر ناظر بر شکل مرکبی از مجموعه‌ای از اجزای زندگی جمعی انسان بوده و حاصل یک نظام و طرح هماهنگ درونی است که آن طرح هماهنگ را اغلب به‌نام فرهنگ نام‌گذاری می‌کنند.

اگر بخواهیم تمدن‌سازی را در قالب یک جریان زنده و متحرک ببینیم، چندین مؤلفه در چنین جریانی اثرگذار است؛ نخست بهره‌مندی از نوعی حقیقت وجودی و انسانی که آن واقعیت یا حقیقت تمدن‌ساز را به وجود جهان و انسان گره می‌زند تا اثر آن عامل، بتواند از زمان و مکان خاص و خرده‌فرهنگ‌ها و نظامات خرد اجتماعی فراتر رود و در سطح یک تمدن ظاهر شود. دومین مؤلفه در این جهت، ظرفیت نظام‌سازی و نظم‌دهی به امور است. سومین مؤلفه، توانایی در جهت انسجام عملی توده‌ها و فرهنگ‌های مختلف انسانی است؛ چهارمین مؤلفه بهره‌مندی از توان شکل‌دهی به زندگی و حیات در دنیاست که می‌توان حقیقت بهره‌مند از این مؤلفه‌ها را به‌عنوان حقیقت تمدن‌ساز مورد توجه قرار داد. نسبت به جریان اربعین نیز می‌توانیم همه این مؤلفه‌ها را به‌صورت مطلوبی نشان دهیم.

حضور امام حسین علیه السلام در مرکز و متن این ماجرا و جریان تقابل حق و باطل که در اینجا وجود دارد، درواقع گره‌خوردگی این حقیقت به هستی و انسان را کاملاً هویدا می‌کند. با نیم‌نگاهی به این ماجرا، می‌شود فهمید که جریان قیام سیدالشهدا علیه السلام و شهادت آن‌حضرت و بارانش و حوادثی که در پی آن رخ داد، جریان تقابل حق و باطل است که در تاریخ همواره در جریان بوده و هست و اوج آن، در این واقعه خودنمایی کرده است و این چیزی نیست که به یک حقیقت تاریخی و یک ماجرای دینی صرف قابل فروکاستن باشد. در احادیث داریم که حتی در قیامت هم برای این واقعه اقامه عزّا خواهد شد و انبیای الهی، حضرات معصومین و اولیاءالله و به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیه السلام حتی در این روز برای سیدالشهدا علیه السلام عزادار هستند؛ با اینکه در وادی قیامت، خود حضرت امام حسین علیه السلام حضور دارد؛ اما هنوز جریان عاشورا و

ادامه از صفحه قبل

همین نکته را امام صادق علیه السلام در زیارت‌نامه اربعین نیز یادآور می‌شود که بار خدایا! گواهی می‌دهم که آن‌حضرت، جان خویش را برای رهایی و نجات بندگانت از نادانی و سرگردانی گمراهی فدا کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ ... بَدَلُ مُهْجَتِهِ فَيْكَ لَيْسَتْغَيِّذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرِيَةِ الضَّلَالَةِ»؛ اما در برابر ایشان، «کسانی که دنیا آنان را گول زده بود و بهره خویش از آخرت را به دنیای پست فروختند، علیه او همدست شدند: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن عَزَّيْتَهُ الدُّنْيَا وَبِاعَ حَقْلَهُ بِالْأَذَلِّ الْأَدْنَى».

• **گفت‌مان اربعین: زمینه‌ساز انسجام اسلامی و سبک زندگی حسینی در برابر آسیب‌های دنیاگرایی**

با توجه به این نکات، مهم آن است که گفت‌مان اربعین گرفتار آسیب دنیاگرایی و دنیازدگی نگردد. از دیگر سو، به یاد آوریم که در مراسم اربعین، هویت

کنم. این سخنان نیز مسأله و مسیر جامعه و گفت‌مان اربعین را مشخص می‌کند. جامعه اسلامی باید به این سمت حرکت کند تا جامعه قدرتمند شود. امر به معروف و نهی از منکر کند و بکوشد تا جامعه به سمت و سوی ارزش‌ها و آرمان‌های مطلوب نبوی و علوی حرکت کند.

طبیعی است که اربعین و گفت‌مان اربعین می‌تواند برای جامعه اسلامی مسیرساز باشد و همراهی، همگرایی و همدلی را در جامعه اسلامی و زمینه‌های تقویت قدرت نرم را در جهان اسلام به وجود بیاورد که موجب تقویت همدلی و انسجام میان مسلمانان باشد و البته این امر را می‌توان از طریق دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای، گفت‌وگو و تعامل با همه مسلمانان، تبیین و ترویج فرهنگ اربعین و حسینی به‌دور از دغدغه‌های فرقه‌ای مطرح کرد و زمینه‌های تعامل فکری میان همه مسلمانان را آهسته آهسته به وجود آورد.

دارد و تمام آنها را باید افرادی که راهبر و راهبردنویس اربعین هستند، در نظر داشته باشند.

این روزها میلیون‌ها انسان مسیر نجف تا کریلا را طی می‌کنند. این مسیر باید زمینه رسیدن به راهی فراتر و برتر فراهم کند و آن، حرکت در سمت و سوی سبک زندگی حسینی است. این سبک زندگی، عزت‌آور، عدالت‌آور، حق‌طلبانه و اعتمادآفرین است. همگرایی اسلامی را به وجود می‌آورد و البته آزادی و مبارزه با ظلم را که ما در جهان اسلام بیش از هر چیز به آن نیاز داریم.

• **اربعین و مسیر اصلاح جامعه اسلامی: زمینه‌ساز همگرایی، تقویت قدرت نرم و انسجام امت اسلامی**

همچنین به یادآوریم که امام حسین علیه السلام می‌فرماید: من برای اصلاح در امت جدم خروج کرده و اراده به امر به معروف و نهی از منکر کرده‌ام و به راه و روش سیره جدم و پدرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام حرکت



احساسات پیروان یک دین است؛ بعد فکری یا دانشی که شامل اطلاعات و دانسته‌های بنیادین درباره آن دین است و بعد پیامدی که تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره است. وقتی این پنج مرحله را رصد می‌کنیم، در می‌یابیم که تمام این مراحل به‌نحوی در مراسم و گفت‌مان اربعین حضور

جمعی اسلامی، همراهی، همدلی و هماهنگی برجسته شود. آسیب‌شناسی که امام حسین علیه السلام از جامعه ارائه می‌کند، عدم عمل به معیارهای حق است؛ چراکه دچار دوگانگی است. امروزه باید با وحدت و همدلی بر گرد محور قرآن و سنت بر اساس آموزه‌های نبوی و حسینی حرکت کنیم. آموزه‌هایی که در پی خود، عزت، عدالت، آزادی و رهایی از دوگانگی می‌آورد. باید بر گرد این ارزش‌ها جامعه اسلامی را منسجم کرد و از دوگانگی رهایی داد؛ چراکه هویت اسلامی به دنبال خود علقه، همبستگی و هماهنگی به وجود می‌آورد.

گلارک و استارک دو جامعه‌شناس دین هستند که پنج ویژگی را برای دین بیان کرده‌اند؛ بعد باوری یا اعتقادی است که آموزه‌ها و آیین‌های دینی را به وجود می‌آورد؛ بعد مناسکی و اعمال دین است که خود را در شعائر، مناسک و آداب و رسوم نشان می‌دهد؛ بعد عاطفی که ناظر به عواطف و